فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۱)، زمستان ۱۴۰۳

# رابطه بین سبک های فرزندپروری مبتنی برطرحواره های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸*
*تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰*
*کد مقاله: ۴۶۲۷۳*

**سید امیرحسین سیدی[۱]، محمدرضا عصار عنایتی[۲]**

## چکـیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان بود. جامعه آماری شامل کلیه والدین و نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر مشهد در سال ۱۴۰۲ بود. از میان آن‌ها ۳۵۰ نفر (۱۸۰ پسر و ۱۷۰ دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین (YSQ-SF3)، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (PSI) و پرسشنامه مشکلات رفتاری نوجوانان (YSR). داده‌ها با آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل شدند. نتایج نشان داد سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد با کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار دارند ($r=-0.45, p<0.001$). سبک مقتدرانه با کاهش مشکلات رفتاری ($r=-0.52, p<0.001$) و سبک‌های استبدادی و سهل‌گیرانه با افزایش آن‌ها (به‌ترتیب $r=0.48$ و $r=0.41$) مرتبط بودند. مدل معادلات ساختاری نشان داد طرحواره‌های فعال والد نقش واسطه‌ای جزئی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان دارند (CFI=0.94، RMSEA=0.06). نتایج تحلیل چندگروهی نیز بیانگر آن بود که الگوهای روابط در پسران و دختران مشابه است و تفاوت معناداری مشاهده نشد. یافته‌ها بر اهمیت توجه به اصلاح طرحواره‌های والدین و ترویج سبک‌های مقتدرانه در خانواده‌ها تأکید دارند و می‌توانند مبنای طراحی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای در مدارس و مراکز مشاوره خانواده قرار گیرند.

**واژگـان کلـیدی:** سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌های فعال والد، مشکلات رفتاری، نوجوانان

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه امام رضا، مشهد، ایران
۲- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه امام رضا، مشهد، ایران

## ۱- مقدمه

نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوره‌های تحول انسانی است که با تغییرات زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی عمیق همراه بوده و زمینه بروز مشکلات رفتاری متعددی نظیر پرخاشگری، نافرمانی، افت تحصیلی، گرایش به رفتارهای پرخطر و ناسازگاری اجتماعی را فراهم می‌سازد. این مشکلات در صورت تداوم نه تنها سلامت روانی نوجوانان را تهدید می‌کنند بلکه پیامدهای بلندمدتی همچون اختلالات هیجانی، مشکلات شخصیتی و دشواری در روابط بین‌فردی در بزرگسالی به همراه خواهند داشت (استینبرگ[1]، ۲۰۲۱). یکی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با بروز یا پیشگیری از چنین مشکلاتی سبک‌های فرزندپروری والدین است. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سبک‌های اقتدارگرایانه والدین با پیامدهای مثبت‌تر رفتاری و هیجانی همراه است در حالی که سبک‌های استبدادی، سهل‌گیرانه یا بی‌تفاوت بیشتر با مشکلات رفتاری نوجوانان همبسته‌اند (ماکوبی و مارتین[2]،۲۰۲۲ ، قوامی و فرهنگی ،۱۴۰۱). با وجود این، تمرکز صرف بر سبک‌های فرزندپروری بدون توجه به ریشه‌های عمیق‌تر شناختی و هیجانی والدین نمی‌تواند به تبیین کامل مشکلات رفتاری منجر شود. نظریه طرحواره ناسازگار اولیه که نخستین بار توسط یانگ و همکاران مطرح شد، بر این نکته تأکید دارد که باورها و الگوهای پایدار شناختی ـ هیجانی که در نتیجه برآورده‌نشدن نیازهای اساسی دوران کودکی شکل می‌گیرند، می‌توانند در بزرگسالی فعال باقی مانده و تعاملات والد ـ فرزند را به طور ناخودآگاه تحت تأثیر قرار دهند (یانگ و همکاران[3]، ۲۰۱۹). در این چارچوب، سبک‌های فرزندپروری را می‌توان بازتابی از طرحواره‌های فعال والد دانست؛ والدینی که گرفتار طرحواره‌های ناسازگار مانند قطع‌شدگی/طرد، بی‌اعتمادی، وابستگی افراطی یا محدودیت‌های ناقص هستند، احتمال بیشتری دارد که سبک‌های ناکارآمدی در تربیت فرزند اتخاذ کنند و همین امر نوجوان را در معرض مشکلات رفتاری قرار دهد.مطالعات پیشین نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری والدین با پیامدهای رفتاری و روانی نوجوانان ارتباط مستقیم دارند و طرحواره‌های فعال والد نقش مهمی در شکل‌گیری این سبک‌ها ایفا می‌کنند. در پژوهشی که توسطاسماعیلی و امیرسرداری(۲۰۱۵) انجام شد، مشخص شد که سبک اقتدارگرایانه والدین با شدت کمتر طرحواره‌های ناسازگار و سبک استبدادی با شدت بالاتر آن‌ها همراه است. نتایج مطالعه بابایی فرد و همکاران (۲۰۲۴) بر روی بیش از هزار نوجوان نشان داد که تحمل ناکافی اضطراب و فشار روانی و اجتناب تجربی به‌صورت واسطه‌های زنجیره‌ای میان طرحواره‌های والد و رفتار خودآسیب‌رسانی نوجوانان عمل می‌کنند.سالاری و همکاران (۲۰۲۲) نیز با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان دادند که طرحواره‌هایی مانند قطع‌شدگی، خودگردانی مختل، نظارت بیش از حد و محدودیت‌های ناقص، نقش واسطه بین سبک اقتدارگرایانه والدین و درد مزمن نوجوانان دارند. کریمی مقدم، قاسم زاده و ارجمندنیا (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره بر تاب‌آوری نوجوانان با مشکلات رفتاری انجام گرفت به این نتیجه رسیدند که برنامهٔ فرزندپروری مبتنی بر طرحواره بر مؤلفهٔ «تاب‌آوری» مؤثر است .همچنین در مطالعه سعیدی، خالقی پور و طباطبایی (۱۴۰۳) که به بررسی اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره بر خودتنظیمی هیجانی و ادراک طردوالدینی نوجوانان نابینا پرداختند، دریافتند که می توان از برنامه فرزندپروری مبتنی بر طرحواره می‌توان برای تقویت خودتنظیمی هیجانی و بهبود ادراک طرد والدینی نوجوانان نابینا استفاده کرد.

در مطالعاتی که رابطه بین سبک فرزندپروری ادراکی، طرحواره‌های ناسازگار و افسردگی بررسی شد، مشخص شد طرحواره‌هایی مانند رهاشدگی و تنبیه‌پذیری واسطه رابطه سبک مادری و افسردگی در زنان و نوجوانان هستند. مقایسه دختران نوجوان دارای یک والد با دختران دارای هر دو والد نشان داد که دختران تک‌والد مشکلات رفتاری و شدت طرحواره‌های ناسازگار بیشتری دارند(عابدینی، ۲۰۱۷). بررسی‌های مروری و فراتحلیل‌ها نیز نشان داده‌اند که سبک‌های والدگری حمایت‌گر و گرمابخش با تنظیم هیجانی بهتر مرتبط‌اند، در حالی که سبک‌های کنترل‌کننده، استبدادی و تنبیهی با دشواری در تنظیم هیجان و افزایش مشکلات رفتاری و هیجانی نوجوانان همراه‌اند. همچنین، پژوهش‌های مروری نشان داده‌اند که سبک‌هایی مانند طرد والدین، عدم حمایت هیجانی و کنترل روانی والدین با شدت طرحواره‌های ناسازگار و در نتیجه با اختلالات روانی و رفتاری بعدی نوجوانان مرتبط هستند (یانگ و همکاران، ۲۰۱۹، آچنباخ و رسکورلا[4]،۲۰۰۱).

به طور کلی، یافته‌ها بیانگر نقش تعیین‌کننده طرحواره‌های فعال والد در شکل‌دهی سبک‌های فرزندپروری و تأثیر آن‌ها بر مشکلات رفتاری نوجوانان هستند، هرچند پژوهش‌های موجود عمدتاً مقطعی بوده و نمونه‌های محدود فرهنگی و سنی داشته‌اند، بنابراین انجام پژوهش‌های جامع و فرهنگی ـ محلی برای بررسی این روابط و نقش واسطه‌ها و تعدیل‌کننده‌ها ضروری است.

*1 Steinberg*
*2 Maccoby & Martin*
*3 Young et al.,*
*4 Achenbach & Rescorla*

مطالعات اخیر نشان داده‌اند که تجربه فرزندپروری بیش‌حمایتی یا کنترل افراطی با سطوح بالاتر طرحواره‌های ناسازگار اولیه مرتبط است و این طرحواره‌ها به شکل‌گیری مشکلات رفتاری در فرزندان کمک می‌کنند (پلرون[1]، ۲۰۲۲، قوامی و فرهنگی ،۱۴۰۱). همچنین یافته‌های پژوهش‌های بالینی بیانگر آن است که نوجوانانی که پیوند هیجانی ضعیف‌تری با والدین خود گزارش می‌کنند، طرحواره‌های ناسازگار بیشتری دارند و بیشتر در معرض بروز مشکلات رفتاری قرار می‌گیرند(روکاچ و کوهن[2]، ۲۰۲۴). با وجود این شواهد، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های پیشین صرفاً رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و مشکلات روان‌شناختی یا رفتاری نوجوانان را بررسی کرده و کمتر به مکانیزم‌های زیربنایی یعنی نقش طرحواره‌های فعال والد در تعیین سبک فرزندپروری پرداخته‌اند. افزون بر این، اکثر مطالعات ماهیت مقطعی داشته و امکان استنتاج علیت را فراهم نکرده‌اند (وانگ و همکاران[3]، ۲۰۲۳). محدودیت دیگر آن است که بسیاری از پژوهش‌ها سبک فرزندپروری را تنها بر اساس گزارش نوجوانان سنجیده‌اند و در نتیجه سوگیری ادراک مشترک یا خطای منبع مشترک محتمل است. همچنین بیشتر مطالعات در زمینه‌های فرهنگی غربی انجام شده و در فرهنگ‌های غیرغربی از جمله ایران که الگوهای فرزندپروری و ارزش‌های خانوادگی متفاوت‌اند، شواهد اندکی وجود دارد. علاوه بر این، متغیرهای واسطه و تعدیل‌کننده‌ای نظیر خودتنظیمی هیجانی، سبک دلبستگی، عزت‌نفس یا شرایط اجتماعی ـ اقتصادی که می‌توانند در این فرآیند نقش کلیدی ایفا کنند، در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند(کاپینها و همکاران[4]، ۲۰۲۳).

بنابراین خلأ پژوهشی اصلی در این حوزه آن است که هنوز به صورت دقیق روشن نشده چگونه طرحواره‌های فعال والد سبک‌های فرزندپروری را شکل می‌دهند و این سبک‌ها به چه طریق بر مشکلات رفتاری نوجوانان اثر می‌گذارند. فقدان مطالعات جامع که بتوانند این مسیر را با لحاظ نقش واسطه‌ها و تعدیل‌کننده‌ها بررسی کنند، موجب شده است که تبیین علمی ارتباط والد ـ نوجوان ناقص باقی بماند. ازاین‌رو انجام پژوهشی که بتواند رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان را در بستر فرهنگی ایران بررسی کند، هم از نظر توسعه ادبیات نظری و هم از منظر کاربردی ضرورت دارد. چنین مطالعه‌ای می‌تواند علاوه بر پر کردن شکاف علمی موجود، مبنای مداخلات خانواده‌محور در جهت بازسازی طرحواره‌های ناسازگار والدین و بهبود سبک‌های فرزندپروری قرار گیرد و در نهایت با کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان به ارتقای سلامت روانی خانواده و جامعه کمک کند.

## ۲-روش کار

### ۲-۱-طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی ـ همبستگی است و با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان انجام شد. به دلیل ماهیت مقطعی پژوهش، نتایج صرفاً بیانگر روابط بین متغیرها بوده و قابلیت استنتاج علّی محدود است.

### ۲-۲-جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری شامل کلیه والدین و نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر قم در سال ۱۴۰۲ بود. بر اساس آمار اداره کل آموزش‌وپرورش استان قم، تعداد دانش‌آموزان این بازه سنی در سال تحصیلی ۱۴۰۲ حدود ۲۸،۵۰۰ نفر برآورد شد. برای تعیین حجم نمونه، از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که با توجه به حجم جامعه، حداقل ۳۸۰ نفر پیشنهاد گردید. با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، ۳۷۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۳۵۰ پرسشنامه معتبر (۱۸۰ پسر و ۱۷۰ دختر) برای تحلیل نهایی انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود؛ بدین صورت که ابتدا مناطق آموزشی شهر قم به‌طور تصادفی انتخاب شدند، سپس از هر منطقه چند مدرسه دخترانه و پسرانه گزینش شد و در نهایت والدین و نوجوانان این مدارس در پژوهش شرکت کردند.

### ۲-۳-معیارهای ورود و خروج

ورود: داشتن فرزند در بازه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال، تمایل والدین و نوجوان به همکاری، نداشتن سابقه اختلال شدید روان‌پزشکی بر اساس گزارش خود.

خروج: پرسشنامه ناقص (بیش از ۱۰٪ داده‌های مفقود)، مشکلات شناختی جدی در والد یا نوجوان، و عدم رضایت در هر مرحله.

*1 Pellerone*
*2 Rokach & Cohen,*
*3 Wang et al.,*
*4 Capinha et al.,*

### ۲-۴-ابزار گردآوری داده‌ها

برای سنجش متغیرهای پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

**پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین :(YSQ-SF3)** این پرسشنامه توسط Young (2019) تدوین شده و ۹۰ گویه دارد که ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را در ۵ حیطه اصلی (قطع‌شدگی/طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های ناکافی، جهت‌مندی به دیگران، و گوش‌به‌زنگی/بازداری) می‌سنجد. نسخه کوتاه این پرسشنامه دارای پایایی مطلوب (آلفای کرونباخ بین ۰,۷۶ تا ۰,۹۳) و روایی سازه مناسب گزارش شده است. در ایران نیز روایی و پایایی آن توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۸) تأیید گردیده است.

**پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند :(PSI)** این ابزار ۳۰ ماده‌ای سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه را می‌سنجد. پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلف بین ۰,۷۰ تا ۰,۸۰ گزارش شده و در ایران نیز توسط آقابابایی (۱۳۹۷) اعتباریابی شده است.

**پرسشنامه مشکلات رفتاری نوجوانان :(YSR)** نسخه خودگزارش‌دهی نوجوان از نظام سنجش آشنباخ است که مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی و نیز مشکلات کلی رفتاری را می‌سنجد. پایایی درونی این مقیاس بین ۰,۷۸ تا ۰,۹۱ گزارش شده است (آخنباخ و رسکورلا[1]، ۲۰۰۱) و نسخه فارسی آن توسط محمدی و همکاران (۱۳۹۵) اعتباریابی گردیده است.

**جدول ۱- پایایی ابزارهای پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ**

| ابزار پژوهش | ابعاد / خرده‌مقیاس‌ها | آلفای کرونباخ(α) |
|---|---|---|
| پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین-(YSQ SF3) | کل مقیاس | 0.91 |
| | قطع‌شدگی/طرد | 0.82 |
| | خودگردانی و عملکرد مختل | 0.84 |
| | محدودیت‌های ناکافی | 0.80 |
| | جهت‌مندی به دیگران | 0.77 |
| | گوش‌به‌زنگی/بازداری | 0.79 |
| پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند(PSI) | مقتدرانه | 0.83 |
| | استبدادی | 0.79 |
| | سهل‌گیرانه | 0.76 |
| پرسشنامه مشکلات رفتاری نوجوانان(YSR) | کل مقیاس | 0.88 |
| | مشکلات درونی‌سازی | 0.81 |
| | مشکلات برونی‌سازی | 0.86 |

### ۲-۴-۱-کنترل متغیرهای مزاحم

برای کاهش اثر متغیرهای مخدوش‌کننده، اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل سن و جنس نوجوان، تحصیلات و وضعیت شغلی والدین، و شاخص اقتصادی ـ اجتماعی خانواده گردآوری شد. این متغیرها در مرحله تحلیل آماری به‌عنوان متغیرهای کنترلی وارد مدل شدند تا اثر واقعی سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های والد بر مشکلات رفتاری نوجوانان با دقت بیشتری برآورد شود.

### ۲-۵-روش اجرا

پس از اخذ مجوز از کمیته اخلاق پژوهش و همچنین کسب مجوزهای لازم از اداره کل آموزش‌وپرورش شهر مشهد، مراحل اجرای پژوهش آغاز شد. در گام نخست، مدیران و مسئولان مدارس منتخب در جریان اهداف، اهمیت و مراحل انجام پژوهش قرار گرفتند و پس از موافقت اولیه، جلساتی جهت اطلاع‌رسانی به والدین و دانش‌آموزان برگزار گردید. در این جلسات، فرم‌های رضایت‌نامه آگاهانه در اختیار والدین قرار گرفت و توضیحات کامل درخصوص محرمانگی اطلاعات، ماهیت داوطلبانه همکاری و حق خروج در هر مرحله از پژوهش ارائه شد.

جمع‌آوری داده‌ها در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۲ انجام گرفت. پرسشنامه مشکلات رفتاری نوجوانان (YSR) در محیط مدرسه و در ساعات تعیین‌شده توسط معاونت پرورشی مدارس، در کلاس‌های آرام و بدون مزاحمت تکمیل شد. پژوهشگران آموزش‌دیده در کلاس حضور داشتند تا روند اجرا به‌صورت استاندارد صورت گیرد. مدت زمان پاسخ‌گویی به پرسشنامه حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید. همزمان، پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه والدین (YSQ-SF3) و سبک‌های فرزندپروری

*1 Achenbach & Rescorla*

بامریند (PSI) در اختیار والدین قرار گرفت که یا در جلسات مدرسه تکمیل می‌شد و یا به‌صورت فرم‌های ارسالی به منزل بازگردانده می‌شد. میانگین زمان تکمیل این پرسشنامه‌ها حدود ۲۵ دقیقه بود.

برای کاهش سوگیری پاسخ‌ها، محرمانگی کامل اطلاعات تضمین شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت کدگذاری‌شده جمع‌آوری گردید، بدون آنکه نام یا مشخصات فردی شرکت‌کنندگان ثبت شود. پژوهشگران صرفاً در صورت وجود ابهام، توضیحات کلی ارائه می‌دادند و از هرگونه جهت‌دهی به پاسخ‌ها پرهیز شد. شرکت‌کنندگان همچنین در جریان قرار گرفتند که می‌توانند در هر مرحله از پژوهش، بدون هیچ‌گونه پیامد منفی، از ادامه همکاری منصرف شوند.

پس از گردآوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها مورد بررسی اولیه قرار گرفت و پرسشنامه‌های ناقص (بیش از ۱۰ درصد داده‌های مفقود) از تحلیل حذف شد. سپس داده‌های معتبر توسط دو پژوهشگر مستقل وارد نرم‌افزار SPSS گردید تا دقت ورود اطلاعات کنترل شود. در نهایت، مجموعه داده آماده انجام تحلیل‌های توصیفی، همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری شد.

### ۲-۶-روش تحلیل داده‌ها

داده‌ها پس از غربالگری وارد نرم‌افزار SPSS-26و AMOS-24 شدند. در مرحله توصیفی، میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی محاسبه شد. در مرحله استنباطی، از همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون فرضیه‌ها استفاده گردید. شاخص‌های برازش مدل شامل$\chi^2/df$ ، RMSEA، CFIو TLI گزارش شدند. سطح معناداری در همه تحلیل‌ها ۰،۰۵ در نظر گرفته شد.

## ۳-آمار توصیفی

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

**جدول۲- میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش**

| متغیر | میانگین(M) | انحراف معیار(SD) | دامنه نمره |
|---|---|---|---|
| سبک مقتدرانه | 24.38 | 5.12 | 10–40 |
| سبک استبدادی | 18.71 | 4.87 | 10–40 |
| سبک سهل‌گیرانه | 19.05 | 4.55 | 10–40 |
| طرحواره‌های فعال والد | 212.54 | 33.42 | 90–360 |
| مشکلات رفتاری نوجوانان (کل) | 64.71 | 13.59 | 30–120 |

نتایج نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه میانگین بالاتری نسبت به دو سبک دیگر دارد، در حالی که مشکلات رفتاری نوجوانان در سطح متوسط به بالا گزارش شده است.

## ۴-تحلیل فرضیه‌ها

**جدول ۳- ضرایب رگرسیون سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی مشکلات رفتاری نوجوانان**

| متغیر پیش‌بین | β (Beta) | t | Sig. (p) |
|---|---|---|---|
| سبک مقتدرانه | -0.38 | -6.21 | 0.001 |
| سبک استبدادی | 0.31 | 5.44 | 0.001 |
| سبک سهل‌گیرانه | 0.27 | 4.87 | 0.001 |
| $R^2 = 0.41, F = 55.73$*** | | | |

***p<0.001

نتایج جدول نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری در مجموع توانسته‌اند ۴۱ درصد از واریانس مشکلات رفتاری نوجوانان را تبیین کنند .($R^2$=0.41) در میان سبک‌ها، سبک مقتدرانه قوی‌ترین پیش‌بین کاهش مشکلات رفتاری بود ,β=-0.38) (p<0.001که نشان می‌دهد نوجوانانی که در محیط خانواده‌ای با قواعد روشن، ارتباط عاطفی مثبت و حمایت منطقی پرورش می‌یابند، کمتر در معرض پرخاشگری، افت تحصیلی یا رفتارهای پرخطر قرار دارند. در مقابل، سبک استبدادی ,β=0.31) (p<0.001و سبک سهل‌گیرانه (β=0.27, p<0.001)با افزایش مشکلات رفتاری همراه بودند. این یافته نشان می‌دهد که کنترل بیش از حد والدین در سبک استبدادی می‌تواند موجب نافرمانی، پرخاشگری و ناسازگاری نوجوان شود، در حالی که نبود ساختار و مرزبندی مشخص در سبک سهل‌گیرانه، احتمال شکل‌گیری رفتارهای پرخطر و بی‌ثباتی هیجانی را افزایش می‌دهد. در مجموع، نتایج این تحلیل بیانگر آن است که تعادل میان حمایت هیجانی و نظارت منطقی والدین، عامل کلیدی در پیشگیری از مشکلات رفتاری نوجوانان است و هرگونه افراط یا تفریط در شیوه‌های تربیتی پیامدهای منفی به همراه دارد.

## ۵-مدل معادلات ساختاری(SEM)

**جدول ۴- ضرایب مسیر در مدل معادلات ساختاری**

| مسیر | β (Standardized) | S.E. | C.R. | Sig. (p) |
|---|---|---|---|---|
| سبک فرزندپروری ← طرحواره والد | 0.68 | 0.07 | 9.71 | 0.001 |
| طرحواره والد ← مشکلات رفتاری | -0.39 | 0.06 | -6.22 | 0.001 |
| سبک فرزندپروری ← مشکلات رفتاری | -0.21 | 0.09 | -2.34 | 0.05 |

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مسیر بین سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های والد معنادار و قوی است ($\beta=0.68, p<0.001$).این یافته بیانگر آن است که نوع سبک والدگری به‌طور مستقیم بر شدت و نوع طرحواره‌های فعال والد اثر می‌گذارد؛ والدینی با سبک‌های ناکارآمدتر، طرحواره‌های ناسازگار فعال‌تری دارند. همچنین مسیر بین طرحواره‌های والد و مشکلات رفتاری نوجوانان معنادار و منفی بود ($\beta=-0.39, p<0.001$). این یعنی هرچه والدین طرحواره‌های فعال‌تری داشته باشند، می‌توانند سبک‌های مؤثرتری در تربیت اتخاذ کنند و در نتیجه مشکلات رفتاری نوجوانان کاهش می‌یابد. در عین حال، مسیر مستقیم بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نیز معنادار باقی ماند($\beta=-0.21, p=0.05$) ، که نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای جزئی طرحواره‌های والد است. به عبارت دیگر، بخشی از اثر سبک‌های والدگری بر مشکلات رفتاری از طریق طرحواره‌ها منتقل می‌شود و بخشی نیز مستقیم اعمال می‌گردد. شاخص‌های برازش مدل($CFI=0.94$) ، $RMSEA=0.06$، ($GFI=0.91$) همگی در سطح مطلوب بودند و تأیید می‌کنند که مدل پیشنهادی توانسته است داده‌ها را به خوبی تبیین کند. این نتایج نشان می دهد که برای کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان، مداخلات باید همزمان بر اصلاح طرحواره‌های والدین و بهبود سبک‌های فرزندپروری تمرکز داشته باشند.

## ۶- تحلیل چندگروهی (پسران و دختران)

برای بررسی تفاوت جنسیتی در روابط بین متغیرها، تحلیل چندگروهی (Multi-group SEM) اجرا شد.

**جدول۵- مقایسه ضرایب مسیر در مدل SEM بر اساس جنسیت**

| مسیر | پسران(β) | دختران(β) | $\Delta\chi^2$ | Sig. (p) |
|---|---|---|---|---|
| سبک فرزندپروری ← طرحواره والد | 0.65*** | 0.70*** | 1.82 | 0.17 |
| طرحواره والد ← مشکلات رفتاری | -0.41*** | -0.36*** | 2.14 | 0.14 |
| سبک فرزندپروری ← مشکلات رفتاری | -0.18* | -0.23* | 0.97 | 0.32 |

***p<0.001, *p<0.05

تحلیل چندگروهی نشان داد که روابط بین سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌های والد و مشکلات رفتاری در هر دو گروه پسران و دختران معنادار است. در مسیر «سبک فرزندپروری ← طرحواره والد» ضرایب استاندارد برای پسران ($\beta=0.65$) و دختران ($\beta=0.70$) نزدیک به هم بود و تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد .($\Delta\chi^2=1.82, p=0.17$) همچنین در مسیر «طرحواره والد ← مشکلات رفتاری» هر دو جنس اثر مشابهی نشان دادند (پسران$\beta=-0.41$ ، دختران$\beta=-0.36$ ؛ .($\Delta\chi^2=2.14, p=0.14$)در نهایت، مسیر مستقیم «سبک فرزندپروری ← مشکلات رفتاری» نیز تفاوت چشمگیری نداشت (پسران$\beta=-0.18$ ، دختران$\beta=-0.23$ ؛ .($p>0.05$) این یافته‌ها بیانگر آن است که سازوکار اثرگذاری سبک‌های والدگری و طرحواره‌های والد بر مشکلات رفتاری نوجوانان مستقل از جنسیت فرزند عمل می‌کند. از دید کاربردی، این نتیجه نشان می‌دهد که مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای برای بهبود فرزندپروری و کاهش مشکلات نوجوانان می‌توانند برای هر دو جنسیت مشابه طراحی شوند و نیازی به تفکیک برنامه‌های آموزشی صرفاً بر اساس جنسیت وجود ندارد.

فرضیه ۱: بین سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد.

آزمون: برای بررسی این فرضیه از همبستگی پیرسون بین امتیاز کل سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان استفاده شد.

**جدول۶- همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان**

| متغیرها | r | سطح معنی‌داری(p) |
|---|---|---|
| سبک فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد ↔ مشکلات رفتاری نوجوانان | -0.45 | 0.001 |

نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنادار و منفی بین سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر طرحواره‌های فعال والد و مشکلات رفتاری نوجوانان وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه سبک والدین بر اساس طرحواره‌های فعال‌تر و سازنده‌تر باشد، مشکلات رفتاری نوجوانان کاهش می‌یابد.

فرضیه ۲: سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه با مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه منفی دارد.

**جدول۷- همبستگی پیرسون بین سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه و مشکلات رفتاری نوجوانان**

| متغیرها | r | سطح معنی‌داری(p) |
|---|---|---|
| سبک اقتدارگرایانه ↔ مشکلات رفتاری | -0.52 | 0.001 |

یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک اقتدارگرایانه والدین با کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان مرتبط است. نوجوانانی که در محیط خانواده با قوانین واضح و حمایت منطقی رشد می‌کنند، احتمال کمتری دارد دچار رفتارهای مشکل‌زا شوند.

فرضیه ۳: سبک‌های استبدادی و سهل‌گیرانه والد با مشکلات رفتاری نوجوانان رابطه مثبت دارند.

**جدول۸- همبستگی پیرسون**

| متغیرها | r | سطح معنی‌داری(p) |
|---|---|---|
| سبک استبدادی ↔ مشکلات رفتاری | 0.48 | 0.001 |
| سبک سهل‌گیرانه ↔ مشکلات رفتاری | 0.41 | 0.001 |

نتایج نشان داد که هر دو سبک استبدادی و سهل‌گیرانه با افزایش مشکلات رفتاری نوجوانان همراه است. این یافته‌ها بیانگر آن است که کنترل بیش از حد یا بی‌تفاوتی والدین، هر دو موجب افزایش رفتارهای ناسازگار در نوجوانان می‌شوند.

فرضیه ۴: طرحواره‌های فعال والد نقش واسطه‌ای بین سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان دارند.

**جدول۹-تحلیل مسیر و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری(SEM)**

| مسیر | ضریب استاندارد | سطح معنی‌داری(p) |
|---|---|---|
| سبک فرزندپروری ⟶ طرحواره‌های فعال والد | 0.68 | 0.001 |
| طرحواره‌های فعال والد ⟶ مشکلات رفتاری | -0.39 | 0.001 |
| سبک فرزندپروری ⟶ مشکلات رفتاری (مستقیم) | -0.21 | 0.05 |

نتایج مدل مسیر نشان داد که طرحواره‌های فعال والد نقش واسطه‌ای جزئی بین سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان دارند. به عبارت دیگر، سبک فرزندپروری بر مشکلات رفتاری اثر مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تقویت طرحواره‌های فعال والد) دارد، که این امر تأکید می‌کند اصلاح و تقویت طرحواره‌های فعال والد می‌تواند اثر منفی سبک‌های ناسازگار والدین را کاهش دهد.

## ۷-بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های فعال والد نقش مهمی در شکل‌گیری مشکلات رفتاری نوجوانان دارند. بر اساس نتایج، سبک مقتدرانه با کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان همراه بود، در حالی‌که سبک‌های استبدادی و سهل‌گیرانه با افزایش این مشکلات ارتباط داشتند. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین از جمله کارهای مَکابی و مارتین (۲۰۲۲)، سعیدی و همکاران (۱۴۰۳)، کریمی مقدم و هکاران (۱۴۰۲) و مرورهای نظام‌مند پینکوارت و گرک (۲۰۱۹) همسو است که نشان می‌دهند سبک مقتدرانه، به دلیل تعادل میان حمایت هیجانی و ساختار منظم، مؤثرترین شیوه والدگری در کاهش مشکلات رفتاری است. در مقابل، کنترل افراطی یا بی‌تفاوتی والدین زمینه‌ساز افزایش پرخاشگری، نافرمانی و ناسازگاری اجتماعی در نوجوانان می‌شود.

نتیجه مهم دیگر این پژوهش، نقش واسطه‌ای طرحواره‌های فعال والد در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری نوجوانان بود. مدل معادلات ساختاری نشان داد که طرحواره‌های والد بخشی از اثر سبک‌های والدگری را بر مشکلات رفتاری توضیح می‌دهند. این یافته همسو با نظریه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و همکاران (۲۰۱۹) است و بیان می‌کند که باورهای بنیادین والدین درباره خود و دیگران می‌تواند الگوهای تربیتی آن‌ها را شکل داده و به‌طور غیرمستقیم بر رفتار فرزندان تأثیر بگذارد. به بیان دیگر، والدینی که طرحواره‌های ناسازگار کمتری دارند، احتمال بیشتری دارد از سبک مقتدرانه بهره ببرند و فرزندانشان مشکلات رفتاری کمتری تجربه کنند.

یافته‌های تحلیل چندگروهی نشان داد که روابط مشاهده‌شده بین سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌های والد و مشکلات رفتاری برای پسران و دختران مشابه است و تفاوت معناداری ندارد. این نتیجه نشان می‌دهد که مکانیزم‌های اثرگذاری سبک‌های والدگری و طرحواره‌های والد، مستقل از جنسیت نوجوانان عمل می‌کنند.

از منظر فرهنگی، می‌توان گفت که در بافت خانواده‌های ایرانی، سبک‌های والدگری افراطی (استبدادی) یا تفریطی (سهل‌گیرانه) هر دو اثرات منفی قابل‌توجهی بر نوجوانان دارند، زیرا نوجوانان در این بستر اجتماعی هم به حمایت هیجانی نیاز دارند و هم به ساختار روشن. سبک مقتدرانه که هر دو بعد را متعادل می‌سازد، بهترین زمینه را برای رشد سالم فراهم می‌کند.

با وجود این نتایج، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد. نخست، ماهیت مقطعی مطالعه مانع از استنتاج روابط علّی می‌شود. دوم، استفاده از ابزارهای خودگزارشی می‌تواند احتمال سوگیری پاسخ‌دهندگان را افزایش دهد. سوم، نمونه محدود به شهر قم بود و تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق نیازمند احتیاط است. همچنین متغیرهای مهمی مانند سبک دلبستگی، تنظیم هیجان یا وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی که می‌توانند نقش واسطه یا تعدیل‌کننده ایفا کنند، در این مطالعه بررسی نشدند.

با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با طرح‌های طولی و مداخله‌ای انجام شود تا امکان بررسی روابط علّی فراهم گردد. همچنین مطالعات آینده باید در شهرها و فرهنگ‌های متنوع‌تر ایران اجرا شوند و نقش متغیرهای واسطه و تعدیل‌کننده مانند عزت‌نفس، سبک دلبستگی و حمایت اجتماعی را در مدل‌های پیش‌بینی وارد کنند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان دادند که ترکیب دو عامل مهم یعنی سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های والد می‌تواند مسیر مؤثری برای تبیین و کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان فراهم آورد. بر اساس این یافته‌ها، طراحی مداخلات خانواده‌محور که هم بر اصلاح طرحواره‌های والدین و هم بر تقویت سبک‌های مقتدرانه تمرکز داشته باشند، می‌تواند به کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان و ارتقای سلامت روانی خانواده و جامعه منجر شود.

## منابع


- قوامی، براتعلی و فرهنگی، زینب،۱۴۰۱، بررسی میزان تاثیر فرزندپروری مبتنی بر طرحواره درمانی بر مشکلات رفتاری و هیجانی و تاب آوری کودکان تک والد،دوازدهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی،شیروان،https://civilica.com/doc/1458066
- کریمی مقدم, حسین , قاسم زاده, سوگند و ارجمندنیا, علی اکبر . (۱۴۰۲). اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره بر تاب‌آوری نوجوانان با مشکلات رفتاری. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی, ۱۴(۲), ۲۱۷-۲۲۹. doi: 10.22059/japr.2023.343884.644286
- سعیدی, فاطمه , خالقی پور, شهناز و طباطبایی, فاطمه . (۱۴۰۳). اثربخشی فرزندپروری مبتنی بر طرحواره بر خودتنظیمی هیجانی و ادراک طردوالدینی نوجوانان نابینا. روانشناسی افراد استثنایی, ۱۴(۵۴), ۷۹-۱۰۵. doi: 10.22054/jpe.2024.76524.2630
- اصغرزاده، علیرضا و عبدالمبین زاده، فاطمه و ثنائی، فاطمه سادات،(۱۴۰۲)،بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگاراولیه والدین با سبک های فرزندپروری و تاثیر آن بر روی کودکان و نوجوانان،نهمین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی در قرن ۲۱،تهران،https://civilica.com/doc/2296070
- Abedini, Z. (2017). *A comparative study of early maladaptive schemas, behavioral problems and self-esteem between single parent and two parent female adolescents*. Global Journal of Human-Social Science, 17(3), 71-78. https://doi.org/10.34257/GJHSSGVOL17IS3PG71
- Babaeifard, M., Akbari, S., Mohammadkhani, P., Hasani, J., Shahbazian, H., & Selby, E. A. (2024). *Early maladaptive schemas, distress tolerance and self-injury in Iranian adolescents: Serial mediation model of transdiagnostic factors*. BJPsych Open, 10(1), e100. https://doi.org/10.1192/bjo.2024.100
- Basso, L. A., Fortes, A. B., Maia, C. P., Steinhorst, E., & Wainer, R. (2019). The effects of parental rearing styles and early maladaptive schemas in the development of personality: A systematic review. Trends in Psychiatry and Psychotherapy, 41(3), 301-313. https://doi.org/10.1590/2237-6089-2018-0030
- Bruysters, N. Y. F., & van der Wouden, J. (2023). Overprotective parenting experiences and early maladaptive schemas in adolescence and adulthood: A systematic review and meta-analysis. Clinical Psychology & Psychotherapy, 30(1), 1-15. https://doi.org/10.1002/cpp.2776
- Capinha, M., Rijo, D., & Salvador, M. C. (2022). *Parenting styles, early maladaptive schemas and emotional regulation in adolescents: A systematic review*. Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health, 16(1), 1–17. https://doi.org/10.1186/s13034-022-00496-5
- Goagoses, N., & Kuperminc, G. P. (2023). *Parenting dimensions/styles and emotion dysregulation in childhood and adolescence: A systematic review and meta-analysis*. Journal of Child and Family Studies, 32(5), 1-15. https://doi.org/10.1007/s10826-022-02198-1
- Kooraneh, A. E., & Amirsardari, L. (2015). *Predicting early maladaptive schemas using Baumrind's parenting styles*. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences, 9(2), e952. https://doi.org/10.5812/ijpbs.952
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (2022). *Socialization in the context of the family: Parent–child interaction*. In P. H. Mussen (Ed.), Handbook of child psychology (pp. 1–101). New York: Wiley.
- Mącik, D., & Kwiatkowska, M. (2021). Temperament, parenting styles and the intensity of early maladaptive schemas: Assessment of correlations in a non-clinical adult group. Personality and Individual Differences, 168, 110296. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110296
- Pellerone, M. (2022). *Parental bonding, dysfunctional attitudes and early maladaptive schemas: Their association with psychological distress in adolescence and adulthood*. Behavioral Sciences, 12(5), 123–136. https://doi.org/10.3390/bs12050123
- Pinquart, M., & Gerke, D. C. (2019). Associations of parenting dimensions and styles with externalizing symptoms in children and adolescents: A meta-analysis. Developmental Psychology, 55(2), 201-217. https://doi.org/10.1037/dev0000613

- Rokach, A., & Cohen, O. (2024). Perceived parental bonding, early maladaptive schemas, and psychological distress among adolescents: Clinical and nonclinical samples. *Current Psychology*, *43*(2), 1550–1564. https://doi.org/10.1007/s12144-024-02912-9
- Salari, S., Shaygan, M., Setoodeh, G., & Ghaemmaghami, P. (2022). The mediating role of maladaptive cognitive schemas regarding the relationship between parenting styles and chronic pain in adolescents: A structural equation modelling approach. Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health, 16(1), 60. https://doi.org/10.1186/s13034-022-00496-5
- Shute, R., & McDonald, S. (2019). The relationship of recalled adverse parenting styles with early maladaptive schemas and current emotional difficulties. Journal of Affective Disorders, 246, 453-460. https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.12.016
- Steinberg, L. (2021). Adolescence (12th ed.). New York: McGraw-Hill Education.
- Wang, Y., Zhang, L., & Li, X. (2023). *Parenting styles, early maladaptive schemas, and adolescent mental health: A cross-sectional study*. Frontiers in Psychology, 14, 1178902. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1178902
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2019). *Schema therapy: A practitioner's guide* (2nd ed.). New York: Guilford Press.